



فرهنگ رسانه ای و سبک های زندگی سلامت محور زنان در فضای مجازی

سیده فاطمه رفیعی بنی الصادق

دانشجوی دکتری تخصصی مطالعات زنان- حقوق زن در اسلام، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

www.f.rafiiei224@com

سید محمد جواد رفیعی بنی الصادق

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Smjibs12@gmail.com

چکیده

در این میان رسانه های جمعی به دلیل حضور گسترده در زندگی افراد و به عنوان منبع اصلی اطلاعات سلامتی نقش اساسی تری بر سلامت عمومی دارند در حال حاضر رابطه بین رسانه های جمعی و سلامت یک رابطه دوجانبه تلقی می شود. از سویی ارتقای سلامت موضوع مهمی برای رسانه ها محسوب میشود و از سویی دیگر حوزه سلامت با توجه به رسالتی که در ارائه اطلاعات، دارد به رسانه های جمعی نیازمند است. امروزه رسانه ها ضمن داشتن نقش اساسی در تغییر رفتارهای مربوط به حوزه سلامت عاملی کلیدی در انتشار اطلاعات در نظام اجتماعی نیز به شمار میروند. «ارتباطات» و «سلامت دو حوزه ای هستند که بنا دارند در کنار یکدیگر بر تصمیمات تقویت کننده سلامت فردی و اجتماعی تاثیر بگذارند و آن را بهبود بخشند ارتقاء سلامت آحاد جامعه از طریق بستر ارتباطات حوزه نوینی را شکل داده که از آن به ارتباطات سلامت بخش می گویند بدیهی است این مهم هیچگاه محقق نخواهد شد مگر آنکه نگاه سلامت محور در سراسر جامعه حاکم شود و نگاه سیاست گذاران حوزه سلامت از درمان محوری» به سمت سلامت محوری» تغییر یابد و سیاستهای «پیشگیری» و «آموزش» بر درمان رجحان یابند. زنان یکی از مهمترین کاربران اینترنت و شبکه های اجتماعی در جهان و نیز کشور ما ایران هستند. شبکه اجتماعی اینستاگرام به دلیل تصویر محور بودن توانسته است زنان ایرانی بسیاری به سوی خود جلب نماید و امروزه تعداد بسیار زیادی از زنان ایرانی کاربر اینستاگرام هستند و در این فضا به کنشگری می پردازند. در کشور ما بر اساس تعالیم اسلامی نهاد خانواده جایگاه ویژه ای دارد و آسیبهای مربوط به فضای مجازی در مورد زنان میتواند بر خانواده تأثیرات مخربی داشته باشد.

کلید واژه ها: فرهنگ رسانه، سبک زندگی، سلامت محور، زن، فضای مجازی.



مقدمه

مسئله آسیبهای اجتماعی یکی از موضوعات مهم و مناقشه برانگیز در عصر حاضر است. در عصر کنونی در سراسر دنیا و همه کشورها شاهد افزایش آسیبهای اجتماعی هم در تعداد و هم در انواع گوناگون آن هستیم. آمار حاکی از افزایش چشمگیر آسیبهایی از جمله اعتیاد خشونت قتل و جنایت روابط جنسی، طلاق، خودکشی و... در میان همه جوامع دنیا است. امروزه میزان استفاده از اینترنت و شبکه های مجازی چنان رو به گسترش است که نسل کنونی را نسل اینترنت یا نسل شبکه نام نهاده اند.

ارتباطات گسترده انسانی در سالهای اخیر که لازمه آن پذیرش شیوههای نوین برای زندگی بوده است، اثرات معکوسی بر سلامت انسانها گذاشته و مسایل بهداشتی تازه ای را به ارمغان آورده است امروزه به دلیل مواجهه با امواج جهانی شدن چالشهای جدیدی در زمینهای مختلف پیش روی سیاستگذاران قرار داده است. چالشهایی که باعث ایجاد تغییراتی در الگوی مصرف مردم و سبک زندگی آنان بویژه در حوزه سلامت شده است. این موضوع تا جایی پیش رفته است که امروزه صاحب نظران علوم پزشکی معتقدند دیگر به تنهایی قادر به کنترل کامل بسیاری از بیماریهای مزمن از قبیل فشار خون دیابت بیماریهای قلبی و عروقی و امثال آن نیستند بلکه بایستی از نظریات و روشهای موجود در علوم جامعه شناسی روان شناسی و مردم شناسی کمک بگیرند تا آحاد جامعه را از طریق پیشگیری مدیریت کنند چرا که متخصصان بر این باورند که این سبک زندگی افراد است که میتواند آنان را سالم نگه دارد یا به بیماری مبتلا کند از این رو پزشکی مدرن تمرکز خود را معطوف به سلامتی و افراد سالم کرده است در حالیکه سالهای نه چندان دور تمرکز پزشکان بیشتر بر بیماری و افراد بیمار بوده است. توسعه برنامه های «غربالگری» برای کشف نشانه های انواع بیماری و تلاش نظامهای مراقبت تندرستی برای ایجاد و تقویت زندگی سالم تر، از جمله شاخصهای آشکار این تغییر هستند از طرف دیگر این تغییر رویکرد باعث بروز تحولاتی در تعریف و ابعاد سلامتی در سطح جهانی شده است برای سالهایی طولانی سازمان جهانی بهداشت حوزه سلامت را در سه بعد کلان تعریف میکرد که عبارت بودند از سلامت جسمی سلامت «روانی و سلامت اجتماعی»، اما بیش از سه دهه است (۱۹۸۴ میلادی) که به دلیل اهمیت موضوع و نیاز جوامع بعد سلامت معنوی نیز به عنوان یکی از ستونهای چهارگانه سلامت مورد تایید و تصویب قرار گرفته است بنابراین امروزه زندگی سالم برای آحاد جامعه در گستره ابعاد جسمانی، «روانی»، «اجتماعی» و «معنوی» مطرح میشود و توجه همه جانبه به آن از سوی متولیان و سیاست گذاران سلامت جامعه امری ضروری محسوب میشود.

بی جهت نیست که کارشناسان و صاحب نظران علوم بهداشتی معتقدند که رابطه مستقیمی بین کیفیت زندگی و وضعیت سلامت وجود دارد و این به عنوان یک اصل حیاتی در دوران مختلف حیات بشری از گذشته تا حال پا برجاست؛ تا جایی که میتوان گفت بالاترین هدف، زندگی جوان مردن در پیرترین سن ممکن بوده و هست. در این میان رسانه های گروهی نقش بسزایی عهده دار شده اند این رسانه ها همواره در نمایش و معرفی تازه ترین نوآوری های پزشکی تغییر در رفتارهای، سلامتی تولید اطلاعات سلامت نمایش تصاویر مربوط به سلامت سبک زندگی، پزشکی، دارو و درمان و بیماری سهم عمده ای داشته اند. رسانه ها قادرند در حوزه سلامت با آگاهی بخشی صحیح به مردم ضمن توانمندسازی آنان به نوعی بار هزینه های نظام سلامت کشور را نیز کاهش دهند

رسانه های جمعی به عنوان منبع اصلی اطلاعات مربوط به سلامتی و به دلیل حضور گسترده در زندگی افراد، اثرات مهمی بر سلامت عمومی جامعه گذاشته اند این رسانه ها در سراسر جهان نقش بسیار مهمی در سلامت فردی و عمومی و پیشگیری از انواع بیماریها بر عهده داشته اند و در حال حاضر نیز منبع مهمی برای ارتقای سلامت به شمار میروند .

به جرات میتوان گفت در دنیای مدرن امروز رسانه ها به بزرگترین مربیان ما بدل شدهاند. داشتن اطلاعات صحیح عنصری است اساسی برای تصمیم گیریهای آگاهانه که موجبات توانمندسازی آحاد جامعه را فراهم می آورد . نمایشهای رسانه ای



باورها و ادراکات افراد از بیماریها و سلامت را میسازند و یا بر آنها تاثیر قابل ملاحظه ای می گذارند و این باورها و ادراکات به نوبه خود رفتار سلامت فرد را تحت تاثیر قرار می دهند. رابطه بین رسانه های جمعی و سلامت یک رابطه دوجانبه است. از سویی ارتقای سلامت موضوع مهمی برای رسانه ها محسوب میشود و از سویی دیگر حوزه سلامت با توجه به رسالتی که در ارائه اطلاعات، دارد به رسانه های جمعی نیازمند است. رسانه های ارتباطی خواه عمداً به کار گرفته شوند و خواه بر اساس ماهیت ذاتی خویش عمل کنند، به عنوان نظامهای آموزش موازی برای شهروندان در کنار آموزش مدرسه ای و بویژه آموزش مادام العمر همواره نقش عمده ای ایفاء میکنند و اغلب افراد با آنها بسیار بیشتر و آسانتر ارتباط برقرار میکنند (افشاری و صوفی، ۱۳۹۶)

آمار روزافزون آسیبهای اجتماعی ناشی از فناوریهای ارتباطی بسیار مهم و قابل تأمل است. آمار ارائه شده در پایگاه اطلاع رسانی پلیس فتا نشان دهنده افزایش وقوع جرائم بوده از جمله کلاه برداری اینترنتی، هتک حیثیت و نشر اکاذیب و مزاحمت اینترنتی در سالهای اخیر است (https://www.cyberpolice.ir/taxonomy/term/۶۲۱). بنابراین میتوان گفت با افزایش کاربران فضای مجازی و استفاده از اینترنت وقوع جرائم سایبری و آسیبهای مرتبط با آن رشد چشمگیری داشته و حضور کاربران در فضای مجازی به عنوان عامل تشدید کننده ای برای آسیبهای اجتماعی بوده است. آسیبهای اجتماعی مربوط به فضای مجازی گونه جدیدی از آسیبهای اجتماعی به شمار می آیند که در پژوهش حاضر آنها را آسیبهای اجتماعی نوظهور می نامیم.

امروزه اپلیکیشنهای اجتماعی مبتنی بر موبایل بیش از پیش در حال گسترش هستند و همه افرادی که به تلفن همراه هوشمند دسترسی دارند میتوانند عضو یکی از این شبکه های اجتماعی شوند و اشتراک گذاری محتوا و تعامل با دیگران را تجربه کنند. هلیبرگ معتقد است از میان پلتفرمهای مختلف رسانه های اجتماعی، برنامه هایی که تصویر به اشتراک میگذارند مانند اینستاگرام موفقیت بسیاری کسب کرده و توانسته اند کاربران بسیاری را به خود جلب کنند. رشد روزافزون اینستاگرام که در اصل مبتنی بر ارسال و اشتراک گذاری عکس و ویدئو است، نشانه افزایش جذابیت رسانه های اجتماعی تصویری و افزایش علاقه مندی کاربران به آنها محسوب میشود. (حسنی و کلانتری، ۱۳۹۶، ص ۳۴)

به دلیل استقبال بسیار زیاد کاربران ایرانی به ویژه زنان از اینستاگرام این شبکه اجتماعی به در رابطه با آسیبهای اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است بر اساس آمار منتشر شده در ۲۶ فوریه ۲۰۲۱ توسط بخش تحقیقات سایت Statista تعداد کاربران جهانی اینستاگرام در سال ۲۰۱۹، تقریباً ۸۱۵ میلیون نفر بود که به صورت ماهانه به پلتفرم اشتراک عکس اینستاگرام دسترسی داشتند. همان طور که آخرین پیش بینی نشان میدهد، در سال ۲۰۲۳، پیش بینی می شود این رقم به نزدیک به ۲/۱ میلیارد کاربر برسد.

رسانه

رسانه به معنای ابزاری است که به وسیله آنها ارتباط برقرار می شود و انتقال دهنده فرهنگها و افکار عده ای است که اکنون مصادیق آن روزنامه، رادیو، تلویزیون، مجلات، ماهواره، اینترنت صفحات نوری و ویدئوست. به عبارتی رسانه وسیله ای است که نقش حامل اطلاعات و پیامهای از پیش طراحی شده را ایفا میکند و واسطه بین انتقال دهنده و گیرنده پیام است که در طول زمان دچار تحول و پیشرفت شده است.

سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی به معنای توانایی فرد در ایجاد ارتباط با محیط اجتماعی علاوه بر آن ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر نزدیکان و گروه های اجتماعی است که وی عضوی از آنهاست. طبق این تعریف شاخصهای سلامت اجتماعی عبارت اند از: مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی. به عبارت دیگر سلامت اجتماعی میتواند ارزیابی فرد از روابط اجتماعی اش تعریف شود؛ عکس العمل دیگران



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه یا همکاران گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت‌های حقوقی پزشکی فراوانی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES

در برابر او چیست و او چگونه درباره‌های اجتماعی و جامعه عمل می کند.

نقش رسانه ها در سلامت اجتماعی

رسانه مهم ترین عامل، اجتماعی بر سلامت و امنیت روانی جامعه تأثیر فراوانی دارد. رسانه ها می توانند یکی از متداولترین بسترهای ارتباطی برای رسیدن به مخاطب زیاد و تلاش برای اصلاح بهبود و تغییر رفتارها و سبک زندگی سلامت محور باشند. تحقیقات نشان میدهد سبک زندگی سلامت محور با جنسیت، سن و وضعیت تأهل افراد در جامعه متفاوت است و جنسیت در سبک زندگی سلامتی مؤثر است. بمباران تبلیغاتی که از سوی شبکه های اجتماعی و بخصوص شبکه های معاند و ماهواره ها به دختران و زنان القا کنند در جهت تغییر نگرش به سبک زندگی و وضعیت ظاهری این قشر است و به جهت روحیه حساس و لطیف زنان و دختران آسیب جدی را به دنبال دارد بیشترین توجه رسانه های جمعی معطوف به سلامت جسمانی بوده و کمتر به بعد روانی و معنوی افراد که عضوی از اجتماع هستند پرداخته است

و این در حالی است که مشکلات اجتماعی و روانی روند رو به رشد داشته است. چنان که طی چند دهه اخیر و با تغییر الگوی زندگی و پیچیدگی اجتماعات، گسترش زندگی آپارتمانی و سلولی رفاه ناشی از زندگی ماشینی و تنهایی انسان در جامعه مدرن و نیز سهولت دسترسی به انواع رسانه به ویژه اینترنت و فضای مجازی بدون آموزش سواد آن به افراد موجب بروز مسائل و مشکلات متعددی در حوزه سلامت اجتماعی مصرف کنندگان این فضا به خصوص زنان و دختران شده است.

. اهمیت و ضرورت توجه به سلامت اجتماعی زنان امروزه سلامت اجتماعی به منزله یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمانی و روانی، نقش و اهمیت گسترده ای یافته است؛ به گونه ای که دیگر سلامتی فقط عاری بودن از بیماریهای جسمی و روانی نیست بلکه چگونگی عملکرد انسان در اجتماعی و چگونگی تفکر وی در باب اجتماع نیز به منزله معیارهای ارزیابی سلامت فرد در سطح کلان جامعه به شمار میرود در واقع سلامت، بنیادی است که همه کوششهای انسان در بستر آن شکل می گیرد و در صورت وجود سلامت در روابط سطح قابل قبولی، افراد جامعه قادر خواهند بود از دیگر منابع حیات بهره ببرند. سلامت زنان به سبب جایگاه والای آنها در جوهره خلقت و به ویژه در شکل گیری فرهنگ، تربیت سعادت و حفظ و ارتقای سلامت خانواده و جامعه، نقش تعیین کننده ای دارد سلامت زنان به تعاملات پیچیده بیولوژی فردی، رفتار بهداشتی، زمینه تاریخی، اجتماعی امنیتی و سیاسی زندگی آنها بستگی دارد. زنانی که از سلامت اجتماعی برخوردارند با موفقیت بیشتری میتوانند با چالشهای ناشی از ایفای نقش های اصلی اجتماعی کنار بیایند و میتوانند مشارکت بیشتری در داشته باشند از این رو سلامت اجتماعی زنان به عنوان یکی از فعالیت های جمعی مسائل اجتماعی باید مورد بررسی علمی قرار گیرد.(ستوده، ۱۳۹۴)

تغییر سبک زندگی

سبک زندگی افراد انعکاسی از تجربیات موفقیتها، ارزشها، نگرشها و انتظارات او از زندگی است. در جوامع سنتی به ویژه در کشورهایی که فرهنگ جمع گرایی دارند، سبک زندگی افراد به خصوص گزینه های مصرف آنها به شدت تحت تأثیر اجتماع، خانواده و اطرافیان قرار دارد. از نگاه اسلام زندگی دنیوی به مثابه مزرعه ای است که انسان در آن خوببها را می کارد و در آخرت درو می کند، درست در نقطه مقابل فرهنگ غرب است که بر مبنای مکتب اومانیسم لذت گرایی و غایت انگاری زندگی دنیوی استوار است. سبک زندگی غربی شاید آسایش را به ارمغان آورده، ولی آرامش را از زندگی ربوده است. اگر چه امروزه تکنولوژی در غرب بسیار پیشرفته شده و در تمامی مراحل زندگی جای خود را باز کرده است، سلب آرامش و فراموشی از خانواده را به دنبال داشته است که حتی همنشین و همسر نیز از انسان دور خواهد شد. از آنجا که ارتباط و تعامل و تبادل اطلاعات در فضای مجازی بسیار سریع و راحت و گمنام است و تقریباً نظارت و کنترلی صحیح و مناسب بر آن انجام نمی شود، روابطی که در این فضاها شکل می گیرد، ممکن است نهایتاً به ازدواج ختم شود که برخی پژوهشگران معتقدند فضای مجازی به همین راحتی نیز می تواند ازدواج هایی را به شکست و طلاق منجر کند. زن و مرد نیازهای عاطفی، روحی، حمایتی و

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



جنسی خود را در فضای مجازی ارضا می کنند و از یکدیگر غافل می شوند. گاهی نیز با انتشار الگوهای نامناسب در فضای مجازی، افرادی که با هزاران فیلتر و دروغ فقط بخشهایی کوچک و از قبل تعیین شده از زندگی خود را برای دیگر افراد جامعه به نمایش میگذارند و از خود الگویی نامناسب میسازند، زن و مرد نیز با مقایسه این الگوها با شریک زندگی خود از همسر خود دلسرد میشوند و این امر حتی به طلاق عاطفی یا طلاق حقیقی منجر می شود. نمایش تجملات در زندگی از خانه های لوکس تا وسایل مدرن زندگی و حتی نوع پوشش اشرافی و تجملاتی موجب چشم و هم چشمی و تلاش زنان برای رسیدن به این نوع از زندگی است که گاه برای رسیدن به آن نیز مرتکب اشتباهات، خطاها و حتی انحراف های بسیاری می شوند.

سبک های زندگی سلامت محور زنان در فضای مجازی

زنان یکی از مهمترین کاربران اینترنت و شبکه های اجتماعی در جهان و نیز کشور ما ایران هستند. شبکه اجتماعی اینستاگرام به دلیل تصویر محور بودن توانسته است زنان ایرانی بسیاری به سوی خود جلب نماید و امروزه تعداد بسیار زیادی از زنان ایرانی کاربر اینستاگرام هستند و در این فضا به کنشگری می پردازند. در کشور ما بر اساس تعالیم اسلامی نهاد خانواده جایگاه ویژه ای دارد و آسیبهای مربوط به فضای مجازی در مورد زنان میتواند بر خانواده تأثیرات مخربی داشته باشد.

به صورت کلی آسیب بسیار مهمی که میتواند از طریق فضای مجازی متوجه زنان و دختران باشد استفاده از آنان برای هرزه نگاری آنلاین است. علاوه بر این فراگیری اینترنت و فضای مجازی موجب آسان تر شدن فعالیتهایی مانند قاچاق زنان و استثمار جنسی آنان شده است هر چند این گونه مسائل در گذشته نیز وجود داشته است. آزار و اذیت جنسی زنان در اینترنت که از طریق گفتگوهای جنسی و استفاده از فضاهای اینترنتی به وقوع می پیوندد و برای تولید تصاویر هرزه نگاری نیز مورد استفاده واقع میشود (راوودراد، ۱۳۸۴، ص ۷۶). بنابراین مسئله آسیبهای اجتماعی و روند روبه رشد آنها یکی از مهمترین مسائل روز کشور است. گرچه جنس آسیبهای اجتماعی کشور ما در حال حاضر بیشتر مجازی است اما این آسیبها محدود به این فضا نخواهد بود و به فضای حقیقی و همه نهادهای اجتماعی نیز سرایت میکند. (درستانی، ۱۳۹۳)

خشونت در همه انواع آن به عنوان یک رفتار ناپسند همواره می تواند آثار جبران ناپذیر جسمی، روحی و روانی بر افراد جامعه داشته باشد، اما در این میان خشونت علیه کودکان و زنان اثرات گسترده ترزین بارتری دارد، زیرا به پایه های خانواده و آینده جامعه صدمه می زند.

خشونت کلامی، اقتصادی، فضای مجازی و دیگر خشونت ها از مواردی هستند که به افراد جامعه مخصوصاً زنان لطمات بیشتری می زند زیرا یا قوانین حمایتی در آن ناکارآمد است یا چهره های نامرئی در آن دخیل هستند. پدیده خشونت علیه زنان چه در محیط خانواده و چه در سطح جامعه، نه تنها امری غیرقابل انکار بلکه در حال رشد به نظر می رسد.

خشونت کلامی غالباً محرک و مقدمه خشونت فیزیکی خطرناک است. خشونت کلامی موجب آسیب روانی، محرک آسیب جسمی، عامل انتقام گیری و ایجاد دور تسلسل خشونت و جرم و جنایت در جامعه است. خشونت؛ آسیب اصلی کشور به حساب می آید و متأسفانه اگر خشونت و خشم در جامعه افزایش پیدا کند، به تبع؛ میزان نزاع و درگیری بین مردم نیز افزایش پیدا می کند.

در این میان خشونت کلامی مقدم بر سایر انواع خشونت است. گرچه خود از عوامل متعدد فردی، خانوادگی، و اجتماعی ناشی می شود، اما زمینه ساز انواع خشونت فیزیکی و جرائم و جنایات است و سلامت روانی و امنیت جامعه را تهدید می کند.

از جمله علل خشونت و پرخاشگری می تواند فقر باشد. شرایط اجتماعی و اقتصادی نابسامان و وضع آشفته زندگی افراد، منجر به ایجاد و شکل گیری فضای نومیدی و یأس در میان مردم می شود. در چنین شرایطی افراد خشونت را تنها راه رسیدن به خواسته ها و مطالباتشان می دانند. (حسنی و کلانتری، ۱۳۹۶)

بار خشونت اقتصادی بر دوش زنان



زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه همواره نقش بسزایی در رشد و توسعه کشور ایفا کرده‌اند اما در زمینه ورود به بازار کار و اشتغال، همواره با خشونت اقتصادی نیز مواجه اند.

طبق نظر متخصصان، اشتغال زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و کسب درآمد و داشتن استقلال مالی همواره با چالش‌های زیادی در جامعه رو به رو بوده است و یکی از نشانه‌های این امر بالا بودن نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان است.

آمار بیکاری منتشر شده توسط مرکز آمار کشور نشان می‌دهد که سهم زنان بسیار بیشتر از مردان است. طبق این آمار که سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ را در بر می‌گیرد. جمعیت بیکار با متوسط رشد سالانه ۱،۸ درصدی از دو میلیون و ۸۷۷ هزار و ۶۰۸ نفر در سال ۱۳۹۰ به سه میلیون و ۲۱۰ هزار و ۲۰۶ نفر در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. جمعیت زنان بیکار نیز با نرخ رشد سالانه ۳،۸ درصدی از ۸۳۰ هزار و ۹۹۶ نفر در سال ۱۳۹۰ به یک میلیون و ۳۷ هزار و ۵۱۶ نفر در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. سهم زنان از جمعیت بیکار طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به جز سال ۱۳۹۳ روندی افزایشی داشته و کمترین میزان آن ۲۸،۹ درصد در سال ۱۳۹۰ و بیشترین مقدار ۳۲،۳ درصد در سال ۱۳۹۶ بوده است. طبق دیدگاه متخصصان نرخ بالای بیکاری زنان به دلیل جنسیت، می‌تواند یکی از مصادیق خشونت اقتصادی باشد.

خشونت اقتصادی یکی از قدرتمندترین شیوه‌های نگه داشتن فرد قربانی در یک رابطه خشونت‌آمیز بوده و یکی از روش‌های رایج در به دست آوردن قدرت و اعمال کنترل در این رابطه است. در واقع می‌توان گفت که نوعی از سوءاستفاده مالی از شریک زندگی به شمار می‌رود که به کاهش ظرفیت قربانی برای حمایت از خود و وابسته شدن او به شریک دیگر منجر می‌شود. این نوع خشونت می‌تواند آشکار یا پنهان باشد. با این حال این نوع خشونت به محدود کردن شریک زندگی در دسترسی به منابع مالی یا اطلاعات درباره چگونگی کسب و خرج درآمد مالی خانواده منجر می‌شود.

البته تحلیل‌ها بر این باور است که درباره حضور زنان در بازار کار نگاه‌های متفاوتی وجود دارد و همه جامعه مخالف این امر نیستند. برخی از کارشناسان وجود تبعیض جنسیتی در بازار کار را موجب کاهش بهره‌وری نیروی فعال و کاهش رشد اقتصادی می‌دانند. اما در مقابل عده زیادی نیز هستند که حضور زنان را موجب بیکاری مردان به عنوان نان‌آوران خانه می‌دانند. (حاجی حیدری و متقی زاده، ۱۳۹۱)

جامعه‌شناسان معتقد هستند که عمده چالش‌ها و مشکلات زنان در حوزه اقتصادی ناشی از این نوع نگاه جنسیتی بوده و اثرات مخرب آن به نوعی موجب بروز تبعیض، نابرابری و در کل گونه‌ای از خشونت اقتصادی شده است.

در اصل اصطلاح خشونت اقتصادی خیلی رایج نیست، می‌گوید: ما انواع خشونت را علیه زنان داریم، اما در مورد اقتصاد بیشتر در سطح روابط اجتماعی خشونت اقتصادی می‌تواند مصداق داشته باشد. هر چند در سطح ساختاری نیز می‌توان تبعیض و بیکاری را از مصادیق این خشونت به شمار آورد. در سطح خرد می‌توان به مواردی مانند اینکه مردان، زنانشان را از نظر اقتصادی در منگنه قرار بدهند اشاره کرد. خشونت مردان علیه زنان با مواردی مانند ندادن حق و حقوق آنها، جلوگیری از اشتغال زن در خارج از خانه، جلوگیری از دست‌یابی زن به درآمد مستقل و در واقع جلوگیری از تحقق استقلال اقتصادی زن صورت می‌گیرد. وقتی صحبت از خشونت می‌شود یعنی اینکه فرد از نظر اقتصادی نیازهایی دارد که عامل یا عواملی مانع از برطرف شدن این نیازها بشوند.

باید انواع مختلفی از خشونت اقتصادی را مشخص سازیم. مثلاً اینکه مردی که وظیفه تأمین خرج و مخارج خانواده را بر عهده دارد زن و یا سایر اعضای خانواده را مجبور کند که با مقداری پول کمتر از حد معمول نیازهای خودشان را برآورده سازند، نوعی خشونت است. به عبارت دیگر بخشی از نیازهای اساسی آنها را تأمین نکند و از این نظر آنها را تحت فشار قرار بدهد. این مساله در خانواده‌های زیادی مشکل ایجاد کرده و موجب بروز اختلافات بین زن و شوهر شده است.

تعصب و نگاه جنسیتی



مورد دیگر که به آن اشاره شد جلوگیری از کار زن در بیرون از خانه است. در واقع بخشی از این مساله به تعصب و نگاه‌های محدود جنسیتی بر می‌گردد. اما بخش مهمی از آن هم می‌تواند با هدف جلوگیری از استقلال مالی زن باشد. تا مرد از این طریق زن را وابسته به خود کند، که این نوعی خشونت به شمار می‌رود.

در این مورد «بوردیو» جامعه شناس فرانسوی بحث جالبی دارد. او می‌گوید نگاه مردسالارانه به استقلال اقتصادی زن می‌تواند برای مردها تبعات منفی داشته باشد. در این مورد مردها بیشتر تحت فشار مالی قرار می‌گیرند. عدم اشتغال زنان به معنای کار بیشتر مردها برای تأمین هزینه‌های زندگی است. وقتی بقیه اعضای خانواده را از کار اقتصادی محروم می‌کند، بیشتر استرس را هم او تحمل می‌کند. باید این فشارهای روحی و اجتماعی را تحمل کند. درآمد بیشتری کسب کند و زمان کمتری را هم به خانواده اختصاص دهد. در نتیجه روی ارتباطات او با اعضای خانواده نیز اثر منفی می‌گذارد. زمانی هم که مرد نتواند به عنوان پدر و همسر وقت و زمان کافی با اعضای خانواده خود سپری کند کمترین نظارت را به ویژه بر رفتار فرزندان خواهد داشت و کمترین نقش را در تربیت آنها ایفا خواهد کرد. این امر می‌تواند به نوعی درگیری و خشونت در روابط خانوادگی را افزایش دهد. (حامدی نسب و همکاران، ۱۳۹۳)

استقلال اقتصادی و خشونت کمتر

این امر به نوع دیگری نیز با خشونت علیه زنان مرتبط است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده در اکثر نقاط دنیا استقلال اقتصادی زنان مساوی است با خشونت کم‌تر علیه آنها. شاید نتوان به راحتی گفت رابطه علت و معلولی بین این دو موضوع وجود دارد، اما در هر کشوری که زنان سهم بیشتری از اشتغال و استقلال اقتصادی دارند و یک هویت اقتصادی مستقل برای خودشان تعریف کرده‌اند خشونت علیه آنها کم‌تر است. یعنی یکی از متغیرهای اصلی تأثیر گذار در کاهش خشونت علیه زنان استقلال اقتصادی است. (افشاری و همکاران، ۱۳۹۶)

خشونت اقتصادی در سطح کلان نیز می‌تواند مطرح شود، می‌گویند: در سطح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و در قوانین نیز می‌توان مصادیقی از خشونت اقتصادی علیه زنان را مشخص کرد. برای مثال در ساختار اشتغال کشور زنان نقش کمتری دارند، در رده‌های مدیریتی نیز هم‌میتور و آنها دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. یعنی در شرایط کاری مساوی با مردان، آنها از حقوق و مزایای کمتری برخوردار هستند. حاضر هستند به ویژه در بخش خصوصی با دستمزدهای بسیار پایین‌تر از مردان کار بکنند.

برای مثال ما زنانی را داریم که در این شرایط اقتصادی با دستمزد ۲۰۰ هزار تومان کار می‌کنند. بدون بیمه و با شرایط قراردادی نازل و بدون اینکه توقعی داشته باشند این شرایط شغلی را قبول می‌کنند. چون ترس و واهمه دارند از اینکه همین درآمد ناچیز را نیز از دست بدهند. البته در این گونه موارد واژه استثمار بسیار مناسب‌تر از خشونت اقتصادی است. خشونت اقتصادی هم می‌تواند این باشد که روز به روز بر حجم کار چنین زنانی افزوده می‌شود و کارفرمایان آنها حتی فراتر از همین قرارداد نازل از زنان انتظار و توقع کار کردن خواهند داشت و زنان نیز به خاطر اینکه این حداقل درآمد را نیز از دست ندهند همه اینها را تحمل می‌کنند.

مصدق دیگر خشونت ساختاری می‌تواند این تصور و ذهنیت فرهنگی باشد که مردان را نان آور خانه می‌داند و از زنان می‌خواهند برای جلوگیری از بیکار شدن مردان وارد عرصه و بازار کار نشوند. یا از زنانی هم که سر کار هستند می‌خواهند جای خود را به مردان بدهند. این فرهنگ نیز نوعی اعمال خشونت اقتصادی است. زیرا زنان زیادی وجود دارند که سرپرست خانوار هستند. دیگر تفکر و ذهنیتی که مرد را نان آور خانواده می‌دانست تقریباً باید منسوخ شود. به ویژه در جوامعی مانند جامعه ما که یکی از آسیب‌های اجتماعی در حال حاضر بالا بودن آمار زنان سرپرست خانوار است. بعلاوه هزینه‌های زندگی بسیار بالا بوده و در بیشتر خانواده‌ها تنها درآمد مرد جوابگوی زندگی نیست و به کار زن نیز نیاز است. پس هرگونه جلوگیری از کار زن می‌تواند مصداق خشونت اقتصادی باشد.



این جامعه شناس اقتصادی، یکی راه‌های برون رفت از این وضع را آموزش می‌داند و ادامه می‌دهد: درست است که مسئولان باید شرایط را برای حذف هرگونه خشونت اقتصادی علیه زنان فراهم کنند اما لازم است که از درون خانواده‌ها و در فرآیند تربیت کودکان با چنین تفکراتی مقابله کرد و کار و استقلال اقتصادی زن را به عنوان یک ارزش و نه ضد ارزش به آنها آموزش داد. باید یاد بگیرند که اشتغال، کارآفرینی و هر چیزی که از نظر اقتصادی سبب استقلال فرد بشود حق هر انسانی اعم از زن و مرد است. به ویژه برای خود زنان باید این تفکر جا بیافتد.

خشونت علیه زنان در فضای مجازی

یکی از معضلات اجتماعی دنیای کنونی، خشونت علیه زنان و گسترش آن در حوزه‌هایی چون فضای مجازی است. البته عده‌ای معتقدند که خشونت‌ها همان‌هایی هستند که در گذشته بودند، ولی زنان دیگر زنان سابق نیستند. از این رو، اعتقاد بر این است که گسترش دامنه آگاهی‌های عمومی و تخصصی زنان، تأثیر مستقیمی بر انتشار موارد خشونت و آزار جنسی از سوی آنها داشته و بزهکاران و خشونت ورزان در فضای واقعی جامعه، بخشی از اقدامات خود را به فضای مجازی انتقال داده‌اند. این جامعه شناسی می‌افزاید: اقداماتی که خشونت‌ورزان در فضای مجازی انجام می‌دهند، متنوع است. معمولاً به نام زنان صفحه‌های جعلی ساخته می‌شود، زنان ترور شخصیتی می‌شوند، شماره‌های تماس زنان در صفحه جعلی به عنوان ارائه‌کنندگان خدمات جنسی منتشر می‌شود، به صفحات زنان فعال حمله می‌شود، با کلمات زشت و تهدیدآمیز پیام برای زنان گذاشته می‌شود و ده‌ها نوع خشونت دیگر که متأسفانه صورت می‌گیرد.

این آزار و اذیت‌ها سبب می‌شود که زنان به طور ناخودآگاه از نظر روانی تحت تأثیر قرار بگیرند و احتمالاً اقدام به خودسانسوری بکنند. بسیاری از زنان، با پدیده خشونت به خاطر جنسیت خود مواجه هستند. خشونت علیه زنان مرز مشخصی ندارد و همه جوامع، نژادها و فرهنگ‌ها را شامل می‌شود. این امر، هم زنان را قربانی و هم خانواده و جامعه را آسیب پذیر کرده است. گسترش دسترسی به اینترنت، انتشار وسیع و سریع اطلاعات و وجود شبکه‌های اجتماعی، سبب شده است تا خشونت علیه زنان بعد گسترده تری پیدا کند. اعتقاد بر این است که هر نوع تهدید، تحقیر و توهینی که زنان در فضای مجازی تجربه می‌کنند، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر زیست روزمره و فعالیت‌های فردی و اجتماعی آنان در بسترهای اجتماعی متفاوت از جمله مجازی و غیرمجازی می‌گذارد و زندگی آنان و در بسیاری از موارد سایر اعضای خانواده آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (عاملی، ۱۳۹۰)

کم هزینه بودن خشونت مجازی

خشونت و آزارهایی که زنان در بستر فضای مجازی تجربه می‌کنند در ابتدا روانی - کلامی است اما به مرور زمان و در صورت عدم مقابله، به سایر انواع خشونت حتی در برخی موارد خشونت فیزیکی نیز تبدیل می‌شود. خشونت در فضای مجازی، اگرچه ساختاری مشابه خشونت در جهان زندگی روزمره دارد، اما امکانات دنیای فناوری، لایه‌های این نوع خشونت را پیچیده‌تر و اثرش را شدیدتر کرده است. به طور معمول، هزینه خشونت در فضای دیجیتال برای شخص آزارگر کمتر از جهان خارج از شبکه است. در فضای مجازی شخص آزارگر ممکن است هرگز شناخته نشود و با اندکی احتیاط و مهارت، حتی از پیگیری قانونی مصون بماند. این بعد از قضیه است که خشونت مجازی را سخت‌تر و تأثیر آن را عمیق‌تر کرده است. در این شرایط، شخص آزاردهنده می‌تواند اقدامات خود را از محیط ملی به بین‌المللی گسترش دهد و افراد بیشتری را در معرض تهدید قرار دهد. به عبارت دیگر، پدیده خشونت علیه زنان، امری جهانی و از این رو، نیازمند اقدامی جهانی نیز است.

این کارشناس حوزه زنان، معتقد است: توهین و آزارهای جنسی آنلاین همان تأثیری را دارند که زنان در زندگی واقعی با آزارها و توهین‌های جنسیتی آن‌را تجربه می‌کنند.

افرادی که سعی می‌کنند در فضای مجازی کمبودهای زندگی خود را جبران کنند، به آزار جنسی جنس مخالف رو می‌آورند. مردانی که در زندگی واقعی و شخصی خود همیشه دچار کمبود هستند در شبکه‌های اجتماعی مثل توئیتر و فیس



بوک از طریق آزار جنسی زنان ضعف‌های خود را جبران می‌کنند. برای مثال به بازی‌های گروهی دنیای مجازی و یا کامنت‌هایی که مردان زیر برخی از پست‌ها می‌گذارند می‌توان اشاره کرد. هر کجا که جنس مذکر کم می‌آورد شروع به فحاشی و استفاده از کلمات رکیک می‌کند.

به گفته محققان اینگونه رفتار برخی از مردان نشان می‌دهد که مشکلات آن‌ها در زندگی کم نیست و برای جبران کمبودهای زندگی خود چنین رفتاری از خود نشان می‌دهند. ۴۰ درصد کاربران اینترنت از این گونه عملکرد مردان رنج می‌برند، البته زنان تنها قربانیان این ماجرا نیستند و گاهی قضیه بر عکس می‌شود. به گفته محققان علت این رفتار احتمالاً این است که مردان تمایل دارند که موقعیت اجتماعی خود را غالب جلوه دهند و موقعیت ارزشمند و جایگاه بالای زن را پایین بکشند چون گاهی برخی از آن‌ها متحمل موفقیت‌های زنان نیستند. (ساعتچی، ۱۳۸۹)

خشونت علیه زنان در همه ابعادش سلامت جامعه و ارتقای شاخص‌های توسعه پایدار را با چالش روبرو می‌کند. از همین رو تأمین امنیت و تدوین قوانین محکم و بازدارنده از طرف مسئولان و متولیان امر سبب می‌شود تا این قشر بتوانند در عرصه‌های مختلف فعالیت داشته باشند و به حقوق خود دست یابند.

بحث و نتیجه‌گیری

به اعتقاد کریستمن و رگرسن (۲۰۰۴)، ترس از قربانی شدن موجب احساس ناامنی میشود و اثر مستقیمی بر زندگی فرد دارد با گسترش استفاده از فضای مجازی در میان کاربران ایرانی و گذشتن زمان زیادی از زندگی روزانه کاربران در این فضا، به نظر می‌رسد که مسائل دنیای حقیقی نیز به این فضا منتقل شده باشد و شاید صورت جدید و پیچیده تری به خود گرفته باشد. این پژوهش، به دنبال پی بردن به این موضوع بوده است که از پاسخهای کاربران دریابد که آیا اساساً زنان معتقد به قربانی شدن در فضای مجازی هستند و چه نمایه‌هایی را برای آن بازگو میکنند و این قربانی شدن در زندگی و احساسات آنان چه تاثیری داشته است؟ از دیدگاه پاسخ دهندگان قربانی شدن در این فضا، شامل نمونه‌های بسیار زیادی بوده است و در عین حال برخی از نمونه‌ها بارها از زبان زنان مختلف یادآوری شده‌اند. به نظر میرسد که به سبب ناشناس بودن افراد در این فضا؛ فاصله طبقاتی، محل زندگی و سابقه زندگی شخص چندان در این موضوع موثر نبوده است.

از دیدگاه زنان پیشنهاد رابطه جنسی دریافت توهین و مزاحمت، ترس از آشنایی پیش از موعد فرزندانشان با روابط جنسی ترس از تاثیر پذیری منفی اعضای خانواده از فضای مجازی و به ویژه شبکه‌های اجتماعی تعرضهای کلامی ترس از هک شدن، افزایش بی اعتمادی و تحمیل سبک زندگی ناخواسته بر آنان از سوی این فضا، مهم‌ترین نمونه‌های قربانی شدن زنان در این فضا است. بسیاری از آنان بارها در پاسخهای خود نوشته‌اند که در این فضا نیز آرامش از زنان ربوده شده است و باز همان هنجارهای فضای حقیقی در اینجا حاکم است. آنان مجبورند که محدودیتهای زندگی روزمره را در این فضا نیز تحمل کنند. به طور مثال از دیدگاه آنان؛ ناتوانی در انتخاب آزاد تصویر برای نام کاربری، تحمیل سبک زندگی، ناتوانی در دفاع از خود در فضاهای عمومی مانند گروه خانوادگی، دریافت تصاویر و فیلمهایی با مضامین جنسی، تاثیر آموزش های منفی این فضا بر اعتقادات و اخلاق فرزندانشان و یا عدم کنترل بر آزار فرزندانشان از سوی دیگران، نمونه‌هایی از این محدودیت هاست و مهمترین دلیل آن را آزادی ناشناس و غیر قابل پیگیری بودن این فضا عنوان کرده‌اند. برداشت نگارندگان از نظرات کاربران آن است که؛ آسیب پذیری قشر زن، سنتهای غلط اجتماعی، سلب اختیارات از زنان، تفاوت تربیتی و عدم آشنایی با رسانه مورد استفاده از مهمترین دلایل این قربانی شدن است. مانند بسیاری از پژوهشهای پیشین نگارندگان این پژوهش نیز به این موضوع واقف شدند که ممکن است این فضا برای کاربران آن آسیبهایی جدی را به همراه داشته باشد، همان طور که برخی از نمونه‌ها به سرد شدن روابط خانوادگی قصد و تقاضای طلاق، ترس، استرس، ناراحتی و عدم اعتماد به نفس مشکلات جسمی و تزلزل اعتقادات اشاره نمودند. در سطح گسترده تر میتوان کاهش احساس امنیت و کاهش کیفیت زندگی را از پیامدهای مهم بعدی



این قربانی شدن تلقی نمود با توجه به پاسخهای کاربران میتوان استنباط کرد که ترس از مورد آزار و اذیت قرار گرفتن و دریافت آسیبهایی فضای مجازی، می تواند بر عملکرد زنان و توانمندی آنان نیز اثر منفی داشته باشد. مولفه هایی مانند: استرس و نگرانی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی الگوی اجباری زندگی و ناراحتی و ناامیدی شاهدهی بر این مدعاست.

منابع

۱. افشاری، افروز و سحر صوفی (۱۳۹۶)، آسیب شناسی پدیده های نوظهور اجتماعی، کنفرانس بین المللی فرهنگ آسیب شناسی روانی و تربیت، تهران: دانشگاه الزهرا.
۲. حاجی حیدری، حامد و علی متقی زاده (۱۳۹۱)، «بازسازی الگوی بازانديشي گيدنز بر مبنای مواضع اخيرتر او راجع به سنت»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ص ۸۳-۴۱.
۳. حامدی نسب، صادق و حسین حامدی نسب (۱۳۹۳) آسیبهایی شبکه های اجتماعی مجازی و راه کارهای پیشگیری از آن همایش ملی مهندسی رایانه و مدیریت فناوری اطلاعات، تهران: ص ۱.
۴. حسینی، حسین و عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۶) تحلیل پدیدارشناختی تجربه زیسته کاربران شبکه اجتماعی تصویری اینستاگرام در ایران، مطالعات فرهنگ و ارتباطات.
۵. خادمیان، طلیعه و محمدجواد کلهری (۱۳۹۹) رابطه اینستاگرام با گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن»، فصلنامه پژوهشهای ارتباطی، ص ۷۴-۵۵
۶. درستانی، مریم و مهدی، روحانی (۱۳۹۳) پدیده های جدید فضای مجازی در ایران از دیدگاه کارشناسان ارتباطات»، «پاییز سال نهم شماره ۲۶.
۷. راودراد، اعظم، (۱۳۸۴)، مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲ و ۳.
۸. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آنمی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش.
۹. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان.
۱۰. ساعتچی، محمود؛ کامکاری کامبیز و مهناز عسکریان (۱۳۸۹)، آزمونهای روان شناختی، نشر ویرایش.
۱۱. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۴)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، آوای نور. شارع پور، محمود، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره سوم، ص ۱۱۲-۱۰۱
۱۲. ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۹)، «بررسی نفوذ شبکه های»، فصلنامه رسانه، ص ۴۲-۲۳.
۱۳. عاملی، سیدسعیدرضا، (۱۳۹۰)، رویکرد دو فضایی به آسیبهایی جرائم قوانین و سیاستهای فضای مجازی تهران: انتشارات امیرکبیر



Media Culture & Women's Health-Oriented Lifestyles in Cyberspace

Sayyed Fatemeh Raffie Bani Alsadegh

Ph. D Student in Women's Studies- Women's Rights in Islam, Faculty of Humanities & Social Sciences, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
www.f.rafi224@com

Sayyed Mohammad Javad Raffie Banialsadegh

M.A in Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) Smjibs12@gmail.com

Abstract

In the meantime, mass media play a more fundamental role in public health due to their widespread presence in people's lives and as the main source of health information. Currently, the relationship between mass media and health is considered a two-way relationship. On the one hand, health promotion is an important issue. It is considered for the media, and on the other hand, the health field needs mass media due to its mission in providing information. Today, the media, in addition to playing an essential role in changing health-related behaviors, is also considered a key factor in the dissemination of information in the social system. "Communications" and "health" are two areas that are supposed to influence and improve the decisions that strengthen individual and social health. Improving the health of the members of the society through the platform of communication has formed a new field from which health communication. They say that it is obvious that this important thing will never be realized unless the health-oriented view prevails throughout the society and the view of health policy maker's changes from "treatment-centered" to "health-centered" and "prevention" and "education" policies over treatment. Predominant. Women are one of the most important users of the Internet and social networks in the world and also in our country, Iran. The Instagram social network has been able to attract many Iranian women due to its image-oriented nature, and today a large number of Iranian women are Instagram users and are active in this space. In our country, based on Islamic teachings, the institution of the family has a special place, and the harms related to cyber space in the case of women can have destructive effects on the family.

Keywords: Media Culture, Lifestyle, Health-Oriented, Women, Cyberspace.